

نظریه سلاح اطلاعات

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

علی علیخانی

چکیده

در این مقاله تلاش بر آن است تا با بررسی چالش‌های ناشی از عصر اطلاعات بر سازمان‌های اطلاعاتی، چارچوب نظری جایگزینی برای مدیریت سازمان‌های اطلاعاتی و نقش‌آفرینی آنها در امنیت ملی ارائه شود. نویسنده با نقد الگوی سنتی کارکرد سازمان‌های اطلاعاتی که بر سه رکن «کشف اسرار»، «رابطه تولید کننده- مشتری میان اطلاعات و سیاست» و «گزارش اطلاعاتی» استوار است، استدلال می‌کند که تداوم الگوی سنتی در عصر اطلاعات و جهانی شدن، نمی‌تواند تأمین‌کننده انتظار کشورهای برای نقش‌آفرینی موثر سازمان‌های اطلاعاتی در امنیت ملی باشد. با ارائه چارچوب نظری جایگزینی با عنوان «سلاح اطلاعات»، نویسنده بر آن است که واحدها و قضایای این نظریه درباره نقش و کارکرد سازمان‌های اطلاعاتی، متناسب با عصر جهانی شدن هستند و از طریق تولید قدرت اطلاعاتی می‌توانند رسالت اطلاعات برای تأمین امنیت ملی را محقق کنند. این نظریه به‌جای آنکه اطلاعات را نهادی برای کشف اسرار بداند، آن را سلاحی برای جنگاوری پنهان معرفی می‌کند.

واژگان کلیدی: سلاح اطلاعات، نظریه‌پردازی، کشف اسرار، سازمان اطلاعاتی، جنگاوری پنهان، قدرت اطلاعاتی، امنیت ملی.

عضو هیئت علمی وزارت علوم تحقیقات و فناوری

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال بیست‌وسوم ● شماره سوم ● پاییز ۱۳۹۹ ● شماره مسلسل ۸۹

مقدمه

یکی از عالی‌ترین نشانه‌های پیشرفت و توسعه در هر کشوری، اهتمام سیاست‌گذاران علمی-پژوهشی آن به مقوله تولید علم در قالب‌هایی همچون نظریه‌پردازی، نقد و مناظره است. این موضوع پس از انقلاب و با عنایات حکیمانه حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری(حفظ‌الله) در دستورکار نهادهای علمی و پژوهشی کشور از جمله دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی قرار گرفته است. عرصه مطالعات اطلاعاتی، یکی از حوزه‌های نوپدید پژوهش دانشگاهی در کشور است که با توجه به محدودیت‌های حاکم بر آن، دچار ضعف در نظریه‌پردازی است^۱. نگاه امنیتی و سلبی به نهادهای اطلاعاتی در جامعه ایرانی، منجر به گریز و اجتناب جامعه دانشگاهی از اندیشیدن به مسائل و چالش‌های این حوزه شده است. این در حالی است که رویدادهای تاریخ معاصر ایران مانند کودتای ۲۸ مرداد، ترور دانشمندان هسته‌ای کشور و بهره‌برداری رقبای دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران از توانمندی‌های اطلاعاتی برای مهار و مقابله با ج.ا.ایران نشان‌دهنده اهمیت و وزن قابل توجه سیاست‌ها و اقدامات اطلاعاتی در کشورداری ایرانی است. با توجه به این وضعیت، مقاله حاضر تلاش کرده تا نخستین تلاش نظری منسجم و مطابق با استانداردهای ابلاغی دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره شورای عالی انقلاب فرهنگی را با عنوان «سلاح اطلاعات» برای بهره‌مندی صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه اطلاعات و ضداطلاعات ارائه کند.

امید است که با تداوم فعالیت‌های معطوف به تولید علم در حوزه اطلاعات و ضداطلاعات، نظام اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش در مسیر تحقق کارکردها و پشتیبانی از کشورداری ایرانی حرکت کند. نوشتار حاضر ابتدا روش‌شناسی به کاررفته برای تولید چارچوب نظری را

۱. مطالعات اطلاعاتی به مثابه حوزه مطالعاتی بین‌رشته‌ای، اساساً دستورکار پژوهشی نوظهوری در جهان است. اولین گام‌های پژوهشی دانشگاهی در این حوزه به اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی بازمی‌گردد که نشریه «اطلاعات و امنیت ملی» در انگلستان و نشریه «اطلاعات و ضداطلاعات» در آمریکا موجودیت یافتند. البته در دهه دوم قرن بیست و یکم، این حوزه پژوهشی با سرعت بیشتری رو به توسعه بوده و ضمن افزایش نشریات و کتاب‌های تألیفی در این زمینه، شاهد شکل‌گیری رشته‌های دانشگاهی مستقل در حوزه مطالعات اطلاعاتی نیز هستیم. در ایران نیز برای اولین بار در اواخر دهه ۱۳۸۰ مؤسسه تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران برای نخستین بار کتاب‌هایی را در این زمینه منتشر کرد و مطالعه دانشگاهی اطلاعات را وارد فضای پژوهشی کشور کرد (میرمحمدی، ۱۳۹۰؛ Scott and Jackson, 2004; Andrew and Dilks, 1984).

تشریح می‌کند. در ادامه، مفروضات بنیادین نظریه سلاح اطلاعات تشریح می‌شود. سپس، واحدهای شکل‌دهنده به نظریه سلاح اطلاعات بررسی شده‌اند. در نهایت نیز قضایای برآمده از این چارچوب نظری ارائه شده‌اند.

الف. نوع‌شناسی نظریه سلاح اطلاعات

طبقه‌بندی‌های متفاوتی از انواع نظریه‌ها وجود دارد. اما می‌توان مدعی شد که قدر مشترک تمام این طبقه‌بندی‌ها در چند نوع نظریه‌پردازی قابل تقسیم است، از جمله ۱. نظریه‌های تبیین‌کننده که مبتنی بر توصیف، تحلیل و پیش‌بینی پدیده، موضوع و واحد مورد نظر هستند؛ ۲. نظریه‌های ارزیابی‌کننده که مبتنی بر فهم و درک پدیده‌ها و ارائه نظریه‌ای برای سنجش آنان است؛ ۳. نظریه‌های مبتنی بر طراحی و اقدام عملی که هدف‌شان، راهنمایی درباره چگونگی انجام کاری است. نظریه سلاح اطلاعات، نظریه‌ای مبتنی بر طراحی و اقدام عملی در چارچوب سازمان اطلاعاتی است و از طبقه‌بندی انواع نظریه‌ها توسط شرلی گرگور الهام گرفته است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

۱. مدل نظریه‌پردازی در نظریه سلاح اطلاعات

مدل انتخابی این نظریه، ترکیبی از دو بخش مقدماتی و اصلی است. در بخش مقدماتی، مفروضات اصلی نظریه و مسئله یا ناهنجاری که دغدغه پژوهش‌گر را برای ارائه نظریه شکل داده، شناسایی و تعیین می‌شود. در مسئله‌شناسی، با مشاهده واقعیت، بیانیه مسئله تعیین می‌شود. بدیهی است میان ناهنجاری تشخیص داده شده و نظریه خلق شده، باید تناسب متقن وجود داشته باشد. بخش اصلی با الهام از روش‌شناسی رابرت دووین ساخته شده است. این بخش خود دارای دو محور مفهومی و عملیاتی است. محور مفهومی دارای ۴ گام شامل واحدهای نظریه، قوانین تعامل، مرزهای نظریه و حالات سیستم است. محور عملیاتی، گام‌های ۵ تا ۸ مدل را در بر می‌گیرد؛ شامل قضایا، شاخص‌های تجربی، فرضیه‌ها و آزمون نظریه (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۱۸۰). شرح مختصر هر یک از گام‌های ۸ گانه به ترتیب زیر است:

در گام اول، مفاهیم اصلی نظریه که دو بین از آن به واحدهای نظریه یاد می‌کند، تعیین و تعریف می‌شود؛

در گام دوم، نحوه تعامل واحدها و روابط میان آنان تعیین می‌شود. در این گام، قوانین تعامل میان واحدها معلوم می‌شود؛

در گام سوم، مرزهای نظریه تعیین می‌شود. در این چارچوب، آن دسته از جنبه‌های جهان واقعی که نظریه آن را مدل‌سازی می‌کند و در نتیجه محدوده قلمرو نظریه، شناسایی و تعیین می‌شود؛

در گام چهارم، حالت‌های سیستم نظریه تعیین می‌شود. بر این اساس، وقتی عناصر نظریه و قوانین تعامل آنها در قلمرو مشخصی شد، نظریه به شکل سیستم در می‌آید؛ به طوری که باید عناصر آن در محدوده معینی با هم تعامل برقرار کنند؛

در گام پنجم، قضایای نظریه از بطن سیستم نظریه به وجود می‌آید. بر این اساس، قضایای نظریه، منبع احصای گزاره‌های واقعی یا قیاس‌های منطقی در مورد نظریه است؛

در گام ششم، بر مبنای قضایا که همان گزاره‌های حکمی است، شاخص‌های تجربی نظریه شناسایی می‌شوند. این شاخص‌ها ابزاری برای تعیین ارزش واحدهای شکل دهنده نظریه هستند.

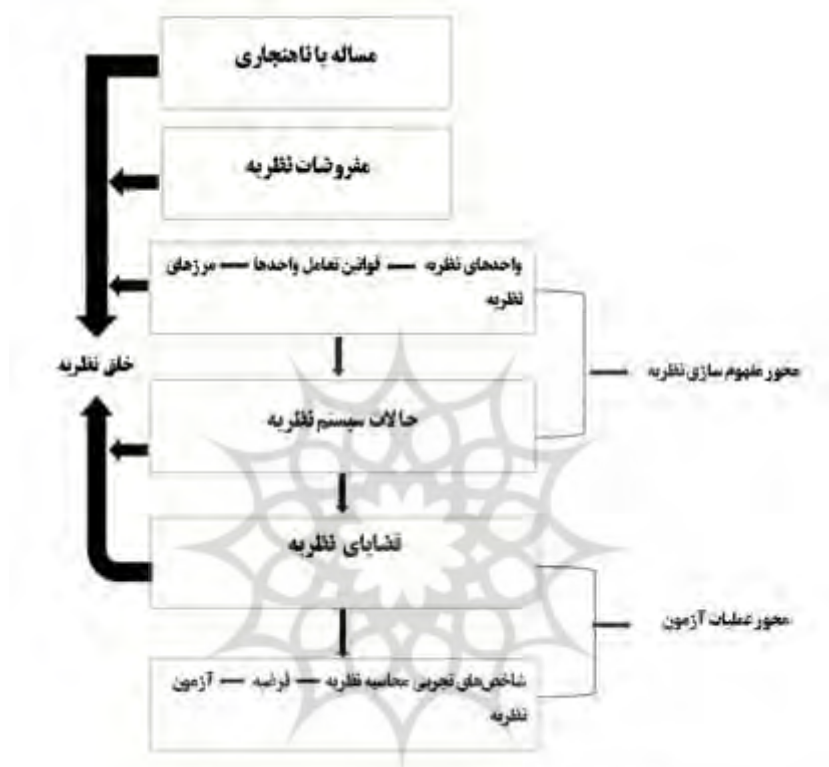
بنابراین، شناسایی شاخص‌های تجربی برای آزمون‌پذیرکردن قضایا ضروری است؛ در گام هفتم، فرضیه‌های پژوهشی نظریه که کمربند پژوهشی نظریه هستند، شکل می‌گیرد.

این فرضیه‌ها در چارچوب سیستم نظریه حاصل می‌شود؛

و در گام هشتم، نظریه در جهان واقعی مورد آزمون قرار می‌گیرد. در این گام، نظریه‌پرداز یا پژوهش‌گر دیگری بر اساس طرحی پژوهشی به گردآوری داده‌ها و تأیید یا پالایش مستمر نظریه می‌پردازد تا قوام و دوام آن را در جهان واقعی یا مرتبط با پدیده مورد نظر نظریه آزمون کند (دانایی فرد، ۱۳۸۹: ۱۸۴-۱۸۱).

بر اساس این مدل، با اجرای بخش اول و گام‌های اول تا پنجم بخش دوم، چرخه نظریه‌پردازی کامل شده و نظریه خلق می‌شود. بر اساس روش‌شناسی دو بین، اجرای گام‌های ۶ تا ۸ چرخه، مربوط به مرحله آزمون نظریه است و الزامی به اینکه خود نظریه‌پرداز آن را انجام

دهد، وجود ندارد. بنابراین، در نظریه سلاح اطلاعات نیز تا گام پنجم مدل بسنده شده است. با توجه به توضیحات فوق، مدل خلق نظریه سلاح اطلاعات به شکل زیر است.



شکل ۱. مدل نظریه سلاح اطلاعات

۲. مفروضات نظریه سلاح اطلاعات

سازمان اطلاعاتی به اقتضای محیط، سیاست‌ها و تدابیر می‌تواند مأموریت‌های متفاوتی داشته باشد؛ اما تا زمانی سازمان اطلاعاتی تلقی می‌شود که فعالیت پنهان، جوهره و ماهیت اصلی سازمان را در ایفای نقش و کارکردهای آن شکل دهد. در غیر این صورت و با کم‌فروغ و کم‌رنگ شدن جوهره و ماهیت پنهان، دیگر به این سازمان و تشکیلات نمی‌توان سازمان اطلاعاتی گفت.

ب. مسئله‌شناسی نظریه سلاح اطلاعات

ناهنجاری اساسی و معمای نظریه سلاح اطلاعات، در قالب «ماهیت، نقش و کارکرد سازمان اطلاعاتی در عصر اطلاعات» ظاهر می‌شود. در این چارچوب، می‌توان گفت که عصر اطلاعات در قواره بن‌نگره‌ای جهانی توانست تار و پود زندگی بشر اعم از محیط، نهادها، جوامع و فرهنگ‌ها، کسب و کارها، آموزش و بسیاری از چیزهای دیگر را دچار تغییر و بعضاً تحولات اساسی کند. سازمان‌های اطلاعاتی نیز از این امر مستثنی نبودند. در این راستا، آنچه قابل ردیابی است، تلاش سازمان‌های اطلاعاتی برای تطبیق‌دادن خود با این بن‌نگره اساسی در کانال سنتی خود است. از گذشته‌های دور، کشف و مواجهه با اسرار، موضوع اساسی فعالیت پنهان به شمار آمده و رابطه سازمان اطلاعاتی و سیاستمدار به صورت رابطه تولیدکننده گزارش‌های اطلاعاتی و مشتری بوده است. بر همین اساس، چرخه اطلاعات، همان سیکل سنتی خود را که «طراحی، جمع‌آوری اطلاعات، ارزیابی، تحلیل و اطلاع‌رسانی به سیاستمدار» بود، حفظ کرده است. در این چارچوب، تلاش سازمان اطلاعاتی برای تطبیق خود با عصر اطلاعات با حفظ الگوی سنتی صرفاً به ایجاد برخی تغییرات در رویکردهای تولید گزارش‌های اطلاعاتی و رابطه اطلاعات و سیاستمدار خلاصه شده است.

بدیهی است که عصر اطلاعات، اقبال و امکان پنهان‌کردن اسرار را با چالش بزرگی مواجه کرده و بخش عمده‌ای از دامنه و سرزمین اسرار را به تصرف خود درآورده است. با وجود این، هنوز هم کشف اسرار، موضوع اساسی فعالیت پنهان باقی مانده و در کنار «گزارش‌های اطلاعاتی» و «رابطه تولیدکننده و مشتری میان سازمان اطلاعاتی و سیاستمدار» به‌عنوان یکی از ارکان سه‌گانه در الگوی سنتی ماهیت، نقش و کارکرد سازمان اطلاعاتی است. این در حالی است که اقبال و امکان پنهان‌کردن اسرار به مدد فرهنگ، فن‌آوری و اقتضات عصر اطلاعات کم‌فروغ شده؛ به‌گونه‌ای که اطلاعات (معلومات پنهان) به‌مثابه فرآورده‌های آگاهی‌دهنده و مکشوف‌کننده اسرار برای مشتریان، بیش از پیش از کانال‌ها و مجاری مختلف در دسترس قرار گرفته‌اند و رقبای بسیاری برای سازمان‌های اطلاعاتی به وجود آمده است که به مدد فن‌آوری،

جامعه شبکه‌ای و اینترنت توانسته‌اند در تولید فرآورده‌های آگاهی‌بخش، تصمیم‌ساز و افشاگر در بسیاری از موارد گوی سبقت را از سازمان اطلاعاتی برابند.^۱

سازمان‌های اطلاعاتی در مواجهه با این چالش پارادایمی و ظهور بازیگران رقیب در تولید فرآورده‌های اطلاعاتی، مشکل را نه در الگوی ماهیت، نقش و کارکرد سازمان، بلکه در نوع و شکل فرآورده‌های خود تشخیص دادند. در ابتدا فکر کردند که مشکل از توجه و تمرکز بر گزارش‌های خبری است؛ گزارش‌هایی که دیرزمانی به علت دامنه و گستره بسیار وسیع معلوماتی که صرفاً به روش پنهان قابل کسب بود، روزانه و هفتگی در اختیار مسئولین کشوری و لشگری قرار می‌گرفت و آنان نیز با ولع آن را مورد استفاده قرار می‌دادند. اما واقعیت این است که با ظهور رسانه‌های خبری ماهواره‌ای که سرعت دسترسی و اطلاع‌رسانی تحولات توسط آنها بسیار بالاست، مزیت سازمان‌های اطلاعاتی در اطلاع‌رسانی خبری به چالش جدی کشیده شده است. در چنین شرایطی، مدیران و نخبگان اطلاعاتی پنداشتند که راه‌حل مشکل، تمرکز کردن بر گزارش‌های مبتنی بر تحلیل و برآوردهای یکپارچه است؛ به گونه‌ای که دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران نیز تقریباً همزمان با همتایان خارجی خود با آغاز دهه ۱۳۸۰ وارد عصر تحلیل اطلاعات شدند.

اما به مرور و با توسعه جهانی شدن و گسترش فناوری‌های اطلاع‌رسانی، باز هم با چالش‌های متعدد از سوی سیاست‌گذار مواجه شدند؛ چون جهانی شدن منجر به ظهور رقبای جدید و توانمند در عرصه تحلیل شد. ده‌ها مرکز مطالعاتی و پژوهشی، اندیشکده، شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های فردمحور ایجاد شد که دسترسی آسان‌تر جهانی به انواع فرآورده‌های تحلیلی را برای سیاست‌گذاران فراهم می‌کند. علاوه بر این، محدودیت‌های مختلف دستگاه‌های اطلاعاتی در تولید گزارش‌های تحلیلی، از جمله بروکراسی سازمانی، رقابت‌های داخلی میان بخش‌های

۱. مقاله «انقلاب سایبری و تحول در پدیده جاسوسی» منبع مفیدی برای آگاهی از تأثیر انقلاب در فناوری اطلاعات بر اطلاعات است (صدیق، ۱۳۹۵). این مقاله ضمن تبیین ماهیت انقلاب سایبری، به دنبال پاسخ به این سوال است که این انقلاب چگونه بر ماهیت و محتوای جاسوسی تأثیر گذاشته است؟ نویسنده مقاله استدلال می‌کند که فضای سایبر با فراهم کردن امکان فرارفتن جاسوسی از محدودیت‌های زمانی و مکانی و در نتیجه، گستردگی امکان جاسوسی، باعث ورود بازیگران و ابزارهای جدید به عرصه جاسوسی شده و از این طریق، تأثیرات انقلابی و بنیادینی در ماهیت و شکل جاسوسی به‌جا گذاشته است.

عملیاتی و تحلیلی، محافظه‌کاری نسبتاً شدید در تولید فرآورده‌های تحلیلی برای رعایت خطوط قرمز سیاست‌گذار و اقبال کمتر کارشناسان زبده برای کار در بخش تحلیلی باعث شد تولیدات تحلیلی دستگاه‌های اطلاعاتی نتوانند به شکل برجسته نزد مشتریان مقبول افتند. گاهی محصولات تحلیلی دستگاه اطلاعاتی منجر به بروز سرزنش‌ها و گلایه‌های -بعضاً به‌حق- سیاست‌گذاران به خاطر محتوای ضعیف شده یا آنکه سوگیری‌های شناختی مشتریان منجر به کنارگذاشتن تحلیل‌های دستگاه‌های اطلاعاتی و ارجاع به تحلیل‌های رقبای دانشگاهی و اندیشکده‌ای توسط سیاست‌گذاران شده است.

این بار نیز دستگاه‌های اطلاعاتی مشکل را در ناکارآمدبودن نوع فرآورده شناسایی کردند و راه‌حل را تولید فرآورده‌های مبتنی بر هشدار، پیش‌بینی و آینده‌پژوهی تشخیص دادند. به نظر می‌رسد که با وجود فن‌آوری‌های داده‌کاو، هشداردهی، پیش‌بینی و آینده‌پژوهی که همگی ناظر بر آینده است، مزیت نسبی سازمان‌های اطلاعاتی در رقابت با دیگر تولیدکنندگان فرآورده‌های تحلیلی است و تمرکز دستگاه اطلاعاتی بر این فرآورده‌ها منجر به اعتماد و اطمینان بیشتر سیاستمدار به عنوان مشتری به سازمان‌های اطلاعاتی می‌شود. اما واقعیت آن است که این نوع نقش و کارکرد نیز با چالش جدی مواجه است. از یک سو، آینده‌پژوهی، کاری غامض و پیچیده است و سازمان‌های اطلاعاتی (از نظر نیروی انسانی، ساختار و فرهنگ سازمانی) برای چنین کاری آماده نیستند. از سوی دیگر و مهم‌تر از آن، اینکه پیش‌بینی یا هشداردادن در مورد وقوع رخداد یا ظهور پدیده‌های جدید، با عدم قطعیت شدید مواجه است. در عین حال، پیش‌بینی یا هشدار نسبت به وقوع رویدادی ممکن است در زمان تولید فرآورده کاملاً معتبر باشد، اما در فاصله زمانی تولید هشدار تا زمان وقوع، ممکن است در اثر ورود یا خروج متغیرهای متعدد و مختلف با تغییر مواجه شود و ماجرا را طور دیگری رقم بزند.

ضمن آنکه تولید ویراست‌های دوم و سوم و... از پدیده مورد نظر نیز بنا به علل مختلف، از جمله مشغله سیاستمداران، چالش ارتباط موثر تولیدکننده و مشتری و سردرگمی‌های مشتری در مصرف، خود با چالش دیگری مواجه است. برای همین است که پس از وقوع رخدادها یا پدیده‌های مختلف، دستگاه‌های اطلاعاتی فوراً سعی می‌کنند مدارک مستندات خود در مورد پیش‌بینی یا هشدار در خصوص پدیده را از لابه‌لای گزارش‌های ارسالی به مشتری ارائه دهند.

اما همواره چنین مستنداتی با نقدهای جدی از سوی مشتریان مواجه شده است. علاوه بر این موارد، هشداردهی و پیش‌بینی پدیده یا رخداد، سازمان‌های اطلاعاتی را مکلف به مداخله برای تحقق یا عدم تحقق وضعیت پیش‌بینی شده بر اساس منافع و امنیت ملی می‌کند. در این چارچوب، چنانچه آنان موفق به جلوگیری از تحقق وضعیت نامطلوب شوند، پیش‌بینی یا هشدارشان درست از آب در نمی‌آید و بر این اساس، همواره برخی از سیاست‌گذاران اقدام به نقد و ارزیابی مناقشه‌آمیز از پیش‌بینی و هشدارهای سازمان اطلاعاتی می‌کنند. اگر هم نتوانند از تحقق وضعیت نامطلوب جلوگیری کنند، دست آخر بابت وقوع آن رخداد یا پدیده نیز سرزنش می‌شوند.

در خلال این تغییر و تحولات درون‌الگویی، دستگاه‌های اطلاعاتی کشور در رکن رابطه مشتری (سیاستمدار) و تولیدکننده اطلاعات (دستگاه‌های اطلاعاتی) نیز به دنبال پیدا کردن راه‌حلی برای خروج از بحران هویت، نقش و کارکرد بوده‌اند. در ابتدا به نظر می‌رسید که مشکل در رابطه یک‌سویه مشتری-تولیدکننده یعنی تعیین نیازمندی از سوی سیاستمدار و تولید فرآورده بر اساس آن توسط دستگاه اطلاعاتی است و راه‌حل نیز تلاش برای دوسویه کردن این رابطه است؛ به این معنا که تشخیص نیازمندی‌های اطلاعاتی از سوی مشتری و تولیدکننده (دستگاه اطلاعاتی) می‌تواند توأمان انجام پذیرد. به‌رغم تلاش برای نقش‌آفرینی توأمان دستگاه اطلاعاتی و سیاست‌گذار در تعیین نیازمندی‌ها، باز هم مشکل رابطه مناسب میان اطلاعات و سیاست به قوت خود باقی بود و این وضعیت منجر به طرح راه حل سوم یعنی معکوس کردن رابطه یک‌سویه شد؛ به‌گونه‌ای که سازمان اطلاعاتی بنا بر تشخیص خودش از وضعیت امنیت ملی کشور، فرآورده‌های اطلاعاتی تولید کند و آن را در معرض مصرف مشتریان قرار دهد. چالش راه حل سوم این است که گاهی اوقات، محصولاتی که بر اساس تشخیص کارشناسان و مدیران اطلاعاتی تولید می‌شوند، تناسب لازم با نیازمندی‌های سیاست‌گذاران به‌ویژه سیاست‌گذاران انتخابی را ندارند.

علاوه بر این، تأکید بر محصول‌محوری در ارتباط با سیاست، باعث شده که به مرور زمان ماهیت سازمان اطلاعاتی که پنهان کاری و فعالیت‌های پنهان بوده، نیز با چالش جدی مواجه شود؛ زیرا دستگاه‌های اطلاعاتی کشور برای اثبات خود نزد سیاستمدار و غلبه بر رقبای مدنی تولیدکننده اطلاعات، مجبور شده‌اند گاهی اوقات در مواد اولیه گزارش‌های خود که معلومات پنهان است، تجدیدنظر کرده و به سمت تولید گزارش‌هایی با ترکیبی از معلومات پنهان و داده‌های

مبتنی بر فن‌آوری (داده‌کاوی)، اطلاعات آشکار، رسمی و بعضاً علمی حرکت کنند. استمرار این وضعیت خطرناک حتی باعث ایجاد برخی تغییرات در مأموریت‌های دستگاه‌های اطلاعاتی شد؛ به‌گونه‌ای که آنان را به سوی دورشدن از ماهیت پنهان‌کارانه و پنهان‌پژوهانه این دستگاه‌ها سوق داد و معمای هویت، نقش و کارکرد سازمان‌های اطلاعاتی در عصر اطلاعات را عمیق‌تر کرد و بعضاً با سیاست‌زدگی سازمان‌های اطلاعاتی نیز همراه شد.^۱ در مجموع، کالبدشکافی مسئله نشان می‌دهد که تداوم فعالیت‌های سازمان اطلاعاتی در چارچوب ماهیت، نقش و کارکرد مبتنی بر الگوی سنتی در عصر اطلاعات به شرح زیر بر تعمیق ناهنجاری و تشدید معمای سازمان اطلاعاتی به مثابه سازمان پنهان‌کار و تأثیرگذار در کشورداری می‌افزاید:

≠ فعالیت در چارچوب الگوی سنتی منجر به تهدیدپنداشتن عصراطلاعات شده و تحولات ناشی از آن را به عنوان تولیدکننده تهدید و آسیب‌پذیری فرض می‌کند؛

کشف اسرار به عنوان ماهیت سازمان اطلاعاتی در عصر اطلاعات، به دلیل انقلاب در انتشار و توزیع گسترده اطلاعات به شدت زیر سوال رفته و بحران هستی‌شناختی برای سازمان‌های اطلاعاتی به دنبال می‌آورد؛

تداوم الگوی سنتی فعالیت و مدیریت سازمان‌های اطلاعاتی در عصر اطلاعات، توانایی این نهادها برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها را در رقابت با رقبای نوظهور به شدت کاسته است؛

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. منظور از سیاست‌زدگی «دخالته شدن سوگیری‌های شخصی، خانوادگی و گروهی در تولید فرآورده‌های تحلیلی و دیگر محصولات اطلاعاتی است». سازمان‌های اطلاعاتی در رقابت با دیگر تولیدکنندگان اطلاعات، گاهی برای جذب بیشتر سیاست‌گذاران مجبور به تولید گزارش‌های خوشایند آنها می‌شوند. چون در عصر جهانی شدن، سیاست‌گذاران در معرض تولیدات تحلیلی گوناگون قرار دارند، معمولاً به محصولاتی بها می‌دهند که با چارچوب ذهنی آنها سازگارتر باشد. سازمان‌های اطلاعاتی، به‌ویژه در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار، اگر بر اساس تشخیص خود از منافع ملی عمل کنند و به چارچوب‌های شناختی مدنظر سیاست‌گذاران توجه نکنند، به راحتی توسط آنها کنار گذاشته می‌شوند؛ چون سیاست‌گذاران می‌توانند نیازهای تحلیلی خود را از دیگر تولیدکنندگان فرآورده‌های اطلاعاتی که با آنها هم‌فکرند، تأمین کنند (سالارکیا و میرمحمدی، ۱۳۹۷).

۲. برخی از نویسندگان معتقدند که انقلاب منابع آشکار که ناشی از تحولات عصر اطلاعات و همه‌گیری فناوری اطلاع‌رسانی است، منجر به بروز چالش هستی‌شناختی برای سازمان‌های اطلاعاتی شده است (سالارکیا، ۱۳۹۰ و Barger, 2005).

الگوی سنتی در اطلاعات، در مدیریت رابطه میان مشتری (سیاستگذار) و تولیدکننده اطلاعات (دستگاه اطلاعاتی) در عصر جهانی شدن، کارآمد نیست؛ ناتوانی الگوی سنتی در جذب و هضم اقتضائات عصر اطلاعات و ارتباطات، منجر به جایگزین شدن نقش‌های جمع‌آوری‌کنندگان اطلاعات و تحلیل‌گران اطلاعات با یکدیگر می‌شود و سهم پنهان‌پژوهی و پنهانکاری (به عنوان مولفه حیاتی در چستی اطلاعات) را کاهش داده است.

بر این اساس، به نظر می‌رسد نیاز به نظریه‌ای کارآمد و موثر برای سازمان اطلاعاتی در عصر اطلاعات داریم؛ نظریه‌ای که عصر اطلاعات را روبه‌روی خودش نبیند یا حداکثر به دنبال تطبیق‌دادن خود با عصر اطلاعات نباشد. بلکه عصر اطلاعات را فرصتی طلایی برای سازمان‌های اطلاعاتی بداند و بتواند از سازمان پشتیبان‌کننده، همان‌طور که قبل از عصر اطلاعات بود، به سازمانی پیشرو و خط مقدم تبدیل شود.

ج. واحدهای نظریه سلاح اطلاعات

نظریه‌ها برای مشخص کردن موضوع مورد مطالعه خود لازم است به نوعی واژه‌شناسی مخصوص به خود مجهز شوند. بر این اساس، یک رشته علمی یا یک نظریه باید برای آن دسته از جنبه‌های این جهان که موضوع مورد مطالعه آن را شکل می‌دهد، اصطلاحات یا زبان فنی خاص خود را داشته باشد. این اصطلاحات، مفاهیم نامیده می‌شوند. اما چون از مفاهیم به عنوان ارکان سازنده نظریه و هم کلیت نظریه‌ها استفاده می‌شود، دوبین از واژه «واحد» به جای «مفهوم» استفاده کرده است تا صرفاً توجه به سمت ارکان سازنده نظریه متمرکز شود (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۷-۱۸۶). با این مقدمه، نظریه سلاح اطلاعات دارای ۴ واحد اصلی به شرح زیر است:

واحد اول، جنگاوری پنهان: اساس جنگاوری پنهان مانند «جنگ» بر درگیری به منظور فتح، شکست، تسلیم‌کردن و به سازش‌کشاندن کلی یا جزئی طرف مقابل بنا نهاده شده است، البته با سه تفاوت اساسی؛ اول، آنکه جنگ‌های نظامی عموماً معطوف به دشمن است، اما جنگاوری پنهان معطوف به حریف است که می‌تواند دشمن یا غیردشمن باشد. دوم، تخریب فیزیکی و کشتار ماهیت اصلی جنگ را شکل می‌دهد، هرچند جنگ‌های مدرن بنا بر اقتضائات عصر

اطلاعات و فشار افکار عمومی با محدودیت کشندگی روبرو گشته است. اما ماهیت جنگاوری پنهان، درگیری‌های غیرکشنده است. سوم، جنگاوری پنهان همان‌طور که از نام آن پیداست، نبردی پنهان است، اما جنگ، نبردی رسمی و آشکار. علاوه بر این، در فهم نقش و کارکرد جنگاوری پنهان مبتنی بر مفهوم‌شناسی دوبین در خلق نظریه باید گفت که جنگاوری اطلاعات، یک صفت است. صفت، خاصیت یک موجود است که بر پایه آن کیفیتی که از خود نشان می‌دهد، نمایان می‌شود. علاوه بر این، جنگاوری پنهان؛ واحدی همواره موجود است. این نوع واحدها در همه اوضاع و احوال با موجود و پدیده مربوط به خود و در اینجا عناصر سازنده نظریه سلاح اطلاعات همراه می‌شود؛ یعنی صرف‌نظر از شرایط محاط بر آن موجود یا پدیده، همیشه آن خاصیت در پدیده یا موجود مورد نظر وجود دارد (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۹۰-۱۸۹). از این ویژگی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که جنگاوری پنهان، محور و مرکز ثقل واحدهای نظریه سلاح اطلاعات است. عناصر مفهومی جنگاوری پنهان به شرح زیر است:

جنگاوری پنهان ابتدایی: نبرد اطلاعاتی به منظور فتح یا تسلط بر دارایی‌های ارزشمند

حریف در عرصه‌ها، محیط‌ها و نهادهای مورد منازعه، صرف‌نظر از وجود تهدیدها یا آسیب‌پذیری‌های امنیت ملی و بیشتر در قالب تصعید قدرت و تعقیب منافع ملی.

جنگاوری پنهان دفاعی: نبرد اطلاعاتی به منظور محافظت از دارایی‌های ارزشمند ملی در

برابر تهدیدها و توطئه‌های حریف، آسیب‌پذیری‌ها و مخاطرات امنیت ملی.

جنگاوری پنهان تلافی‌جویانه: نبرد اطلاعاتی به منظور انتقام از حریف از طریق

آسیب‌رساندن به دارایی‌های ارزشمند آن.

جنگاوری پنهان پیش‌گیرانه: نبرد اطلاعاتی به منظور مهار یا جلوگیری از شکل‌گیری یا

بالفعل شدن تهدیدها و توطئه‌های حریف علیه امنیت ملی خودی.

جنگاوری پنهان پیش‌دستانه: نبرد اطلاعاتی به منظور خنثی‌سازی عملیات در آستانه وقوع

از سوی حریف.

واحد دوم، قدرت اطلاعاتی: تعاریف متعددی از قدرت ارائه شده که با ملاحظه جمع

تعاریف مذکور و وام‌گیری از آن، قدرت اطلاعاتی در حد تام چنین تعریف می‌شود: مجموعه‌ای

از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های به‌کارگیری آن از سوی سازمان اطلاعاتی مبتنی بر آگاهی، اراده و

اختیار به گونه‌ای که بتواند حریف را اغوا کند؛ تسهیل‌کننده دستیابی به هدف برای سازمان اطلاعاتی باشد؛ سازمان اطلاعاتی با به‌کارگیری آن بتواند کار را بر حریف دشوار کند یا برای او محدودیت ایجاد نماید؛ او را به سمت همکاری اجباری یا اقناعی سوق دهد؛ و در نهایت، به صورت مطلق حریف را از انجام عملی نهی یا منع کند یا به صورت مطلق او را وادار به انجام کاری کند^۱. با عنایت به تعریف مذکور، عناصر مفهومی قدرت اطلاعاتی به شرح زیر است:

تصرف اطلاعاتی: بدست‌گرفتن زمام امور هدف (فرد، تشکل، نهاد، رسانه، قشر، فضای کالبدی، دولت یا نظایر آن) در سایه؛ به صورت کلی یا جزئی، محدود یا گسترده، به شرطی که همواره از ویژگی سلطه و کنترل برخوردار باشد. بر اساس این تعریف، تصرف اطلاعاتی دارای سه سطح است:

- سطح حداقلی: اشراف اطلاعاتی به معنای تسلط بر تراکنش اطلاعات در نودهای تصمیم‌گیر هدف.
- سطح میانی: مهندسی ادراک به معنای تسلط بر سیستم محاسباتی هدف تا جایی که منجر به اتخاذ تصمیم یا رفتار مطابق با طرح از پیش تعیین‌شده خودی باشد.
- سطح حداکثری: سلطه اطلاعاتی به معنای برخورداری از سطوح اول و دوم و توانمندی و قابلیت افزایش، کاهش، اصلاح، ایجاد و حذف اقدامات و تدابیر هدف در راستای امنیت ملی کشور خودی.

بازدارندگی اطلاعاتی: منظور از بازدارندگی اطلاعاتی، ایجاد باور به تهدید متقابل در حریف توسط خودی در چارچوب خطوط قرمز از پیش تعیین‌شده تا سرحد پشیمانی از اقدام توسط حریف در موضوع مشخص و در چارچوب حفظ وضع موجود است. در این چارچوب، بازدارندگی اطلاعاتی عبارت است از ایجاد باور به تهدید متقابل اطلاعاتی

۱. قدرت اطلاعاتی، یکی از مفاهیمی است که به دلیل ضعف کلی مفهوم‌پردازی در حوزه مطالعات اطلاعاتی، تاکنون پژوهش‌های جدی درباره آن صورت نگرفته است. تنها مقاله‌ای که این مفهوم در عنوان آن جای گرفته و یکی از واژگان کلیدی آن است، مقاله‌ای با عنوان «فناوری و قدرت اطلاعاتی: از افزایش شناخت تا ارتقای توان کنترل» است. این مقاله در پی آن است تا تأثیرات فناوری به‌ویژه فناوری‌های نوین بر قدرت اطلاعاتی را بازنمایی کند. تعریف این مقاله از قدرت اطلاعاتی نیز بر دو مولفه «تولید شناخت» از پدیده‌ها یا «اشراف اطلاعاتی» و «اعمال کنترل» بر آنها استوار است (قاضی‌زاده، ۱۳۹۱).

توسط خودی از طریق تهدید به ضربه اطلاعاتی متناسب تا سرحد پشیمانی از ضربه اطلاعاتی توسط حریف.

صیانت اطلاعاتی: برخورداری از ظرفیت و توانمندی بهره‌گیری از آن برای پاسداری و محافظت از دارایی‌های ارزشمند نظام و کشور در برابر توطئه‌های حریف و دفع، رفع، مهار و کاهش آسیب‌پذیری‌های مربوط به آن با استفاده از فناوری و جنگ‌افزارهای اطلاعاتی.

ضربه اطلاعاتی: برخورداری از ظرفیت اطلاعاتی و توانمندی بهره‌گیری از آن برای حمله به حریف با استفاده از فن‌آوری‌ها و جنگ‌افزارهای اطلاعاتی به صورت پروژه دارای زمان و مکان مشخص.

واحد سوم، گزارش‌های اطلاعاتی: فلسفه وجودی دستگاه اطلاعات، ی کمک به اداره کشور توسط سیاست‌گذاران است و گزارش‌های اطلاعاتی، مهم‌ترین پل برای رساندن این کمک به شمار می‌آیند. گزارش‌های اطلاعاتی که مخاطب آن سیاست‌گذاران هستند، با دو هدف پشتیبانی شناختی از سیاست‌گذار یا اطلاع‌رسانی به سیاست‌گذاران در مورد اقدامات و فعالیت‌های سازمان اطلاعاتی تولید می‌شوند. بدین ترتیب، گزارش‌های اطلاعاتی به دو نوع تقسیم می‌شوند:

- **گزارش شناخت اطلاعاتی:** تولید فرآورده‌های اطلاعاتی در چارچوب برآورد، تحلیل، پیش‌بینی، هشدار، تبیین و موارد دیگر که بر پایه معلومات پنهان و اختصاصی توسط سازمان اطلاعاتی تهیه شده باشد، گزارش شناخت اطلاعاتی محسوب می‌شود.

- **گزارش عملکرد اطلاعاتی:** ارائه گزارش‌های توصیفی از اقدامات سازمان اطلاعاتی با محوریت عملکردها در عرصه جنگ‌آوری پنهان و قدرت اطلاعاتی، گزارش عملکرد اطلاعاتی نامیده می‌شود.

واحد چهارم، امنیت ملی: در این نظریه، امنیت ملی از دو بخش «رهبری امنیت ملی» و «وضعیت امنیت ملی» و در مجموع، از چهار بُعد مفهومی به شرح زیر تشکیل شده است:

رهبری امنیت ملی: مقامات و نهادهایی که صلاحیت قانونی تعیین سیاست‌های کلی و اجرایی امنیت ملی و پیگیری و نظارت بر حسن اجرای آنها توسط دستگاه‌های مربوط و همچنین، هماهنگی میان دستگاه‌های مربوط و پشتیبانی از آنان را بر عهده دارند.

ارزش‌ها و منافع امنیت ملی: اصول تشکیل‌دهنده ساخت حقیقی دولت-ملت که پایدار و ثابت است، به عنوان ارزش‌های امنیت ملی و موضوعات مرجع تغذیه‌کننده و رشددهنده موجودیت مادی دولت-کشور، به عنوان منافع امنیت ملی تعیین می‌شوند. در این چارچوب، منافع و ارزش‌های امنیت ملی نیازمند حفاظت، تعمیق و رشد هستند و همواره باید با اتکا به قدرت ملی مورد تعقیب قرار گیرند. برخی از ارزش‌ها و منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی به عنوان دولت-کشور عبارت است از نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، استقلال و آزادی، بقا و تمامیت ارضی، ثبات و پایداری حکومت، هویت ملی، انسجام سیاسی و اجتماعی. در ضمن، ارزش منافع امنیت ملی توسط رهبری امنیت ملی رسمیت می‌یابد.

تهدیدهای امنیت ملی: تهدید امنیت ملی، وضعیتی است که در آن، تمام یا بخشی از عناصر و واحدهای سازنده ارزش‌ها و منافع امنیت ملی از ناحیه اقدامات حریف در معرض خطر قرار گرفته باشد. در این چارچوب، خطر عبارت است از تهدیدهای با احتمال بسیار بالای تحقق و وجود میزان قابل توجه آسیب‌پذیری در برابر عامل و موضوع تهدید؛ به‌گونه‌ای که طرف پاسدار ارزش‌ها و امنیت ملی خودی قابلیت ایجاد موازنه یا مقابله و دفع تهدید را به شکل رضایت‌بخشی نداشته باشد. در این راستا، تهدیدات امنیت ملی توسط رهبری امنیت ملی رسمیت می‌یابد.

آسیب‌پذیری‌های امنیت ملی: وجود ضعف ذاتی، سیستمی یا کارکردی در هر یک از عناصر و واحدهای سازنده ارزش‌ها و منافع امنیت ملی؛ به‌گونه‌ای که تداوم و رشد منافع و ارزش‌ها را با خطر مواجه کند. آسیب‌پذیری‌های امنیت ملی نیز توسط رهبری امنیت ملی رسمیت می‌یابد.

۱. قوانین تعامل میان واحدهای نظریه سلاح اطلاعات

بر اساس الگوی دوپین و با بهره‌گیری از قوانین تعاملی، طبقه‌ای، ترتیبی و جبری، نظریه سلاح اطلاعات دارای سه قانون تعاملی به شرح زیر است.

۱. قدرت اطلاعاتی، زاییده جنگاوری پنهان است (قانون ترتیبی)؛

۲. امنیت ملی در رابطه‌ای تعاملی، تعیین‌کننده خطوط راهنمای جنگاوری پنهان است (قانون طبقه‌ای)؛

۳. جنگاوری پنهان با بهره‌گیری از قدرت اطلاعاتی، امنیت ملی را یاری می‌کند (قانون ترتیبی)؛

۴. گزارش‌های اطلاعاتی با بهره‌گیری از جنگاوری پنهان و قدرت اطلاعاتی، امنیت ملی را یاری می‌کنند (قانون ترتیبی).

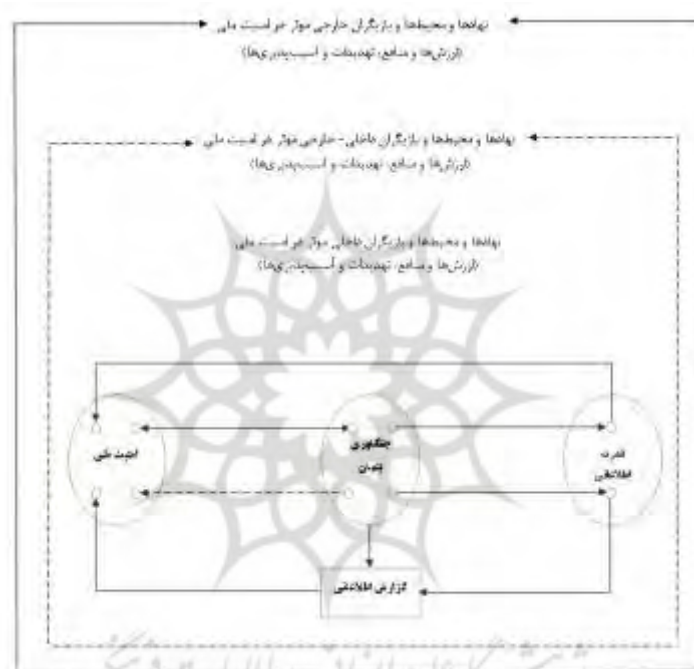


شکل ۲. رابطه تعاملی میان واحدهای نظریه سلاح اطلاعات

براساس شکل ۲ جنگاوری پنهان، نقش پردازش‌گر و کنش‌گر نظریه سلاح اطلاعاتی را بر عهده دارد. بر این اساس، جنگاوری پنهان تولیدکننده رکن ظرفیت در قدرت اطلاعاتی است. بنابراین، از نظر زمانی بر قدرت اطلاعاتی حق تقدم دارد. از سوی دیگر، جنگ‌آوری پنهان با بهره‌گیری از ظرفیت، قدرت اطلاعاتی را در خدمت امنیت ملی درمی‌آورد. در این چارچوب، قدرت اطلاعاتی به عنوان نهاد و امنیت ملی به عنوان ستاده، خطوط راهنمای عمل جنگاوری پنهان را تعیین می‌کند. البته رابطه میان جنگاور پنهان و امنیت ملی، دوطرفه است؛ هرچند نقش جنگاوری پنهان در این مورد، مشاوره‌دادن است و تعیین‌کننده نیست.

۲. مرزهای نظریه سلاح اطلاعات

همان‌طور که نظریه بر جنبه‌های جهان واقعی متمرکز می‌شود و می‌کوشد آن را مدل‌سازی کند، مرزهای آن نیز محدوده‌های جهان واقعی مورد توصیف و تبیین آن را نشان می‌دهد و متعاقباً قلمرو نظری، نظریه را از جنبه‌هایی که قرار نیست تبیین کند، متمایز می‌کند. با عنایت به این توضیحات، مرزهای نظریه سلاح اطلاعات به شکل زیر قابل ترسیم است.

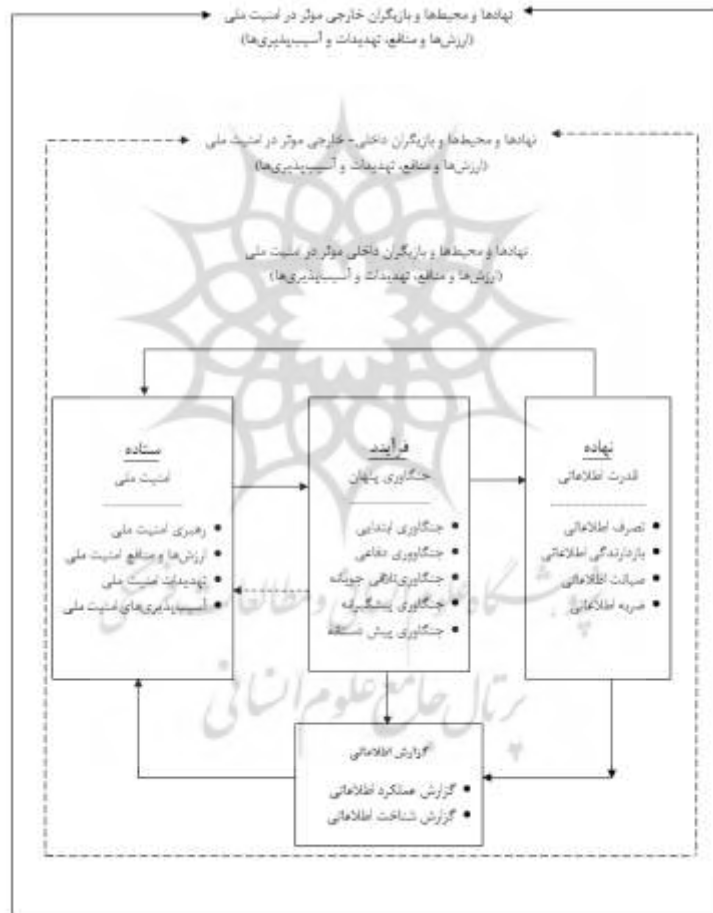


شکل ۳. مرزهای نظریه سلاح اطلاعات

مرزهای نظریه سلاح اطلاعات، همان‌طور که در شکل پیداست، بسیار وسیع است. بر این اساس، کلیه نهادها و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی که کارکرد تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده امنیت ملی خودی را داشته باشند، قلمرو نظریه سلاح اطلاعات را تشکیل می‌دهند. دشمنان، رقبا، کنش‌گران مخرب و اختلال‌آفرین، شرکا، متحدان و بازی‌سازها، عناصر اصلی این عرصه هستند. نهادها و محیط‌های تولیدکننده یا تضعیف‌کننده امنیت ملی نیز اولویت‌های اساسی هستند؛ به‌ویژه نهادها و محیط‌های نظامی، امنیتی و راهبردی.

۳. حالات سیستم نظریه سلاح اطلاعات

حالات سیستم نظریه، وضعیتی از سیستم است که مدل‌سازی شده و در آن، وضعیت همه واحدهای نظریه ارزش‌های مشخصی به خود می‌گیرند؛ که صرف‌نظر از فاصله زمانی، در طول زمان استمرار دارند. در این حالت، واحد، توصیف شده؛ قوانین، مشخص شده؛ مرزهای نظریه، تعیین شده و در نهایت، حالات سیستم نظریه بر اساس آنها شناسایی می‌شود. با توجه به این توضیحات، شکل کامل و جامع حالات سیستم نظریه سلاح اطلاعات به شرح زیر است:



شکل ۴. حالات جامع سیستم نظریه سلاح اطلاعات

۴. قضایای نظریه سلاح اطلاعات

اکنون به نقطه‌ای از نظریه‌پردازی رسیدیم که در آن، پیش‌بینی‌ها و ارزیابی‌ها، نقش اصلی را در نظریه ایفا می‌کنند. در این چارچوب «قضیه» یا «گزاره حکمی» به عنوان نوعی گزاره حقیقت در مورد این نظریه تعریف می‌شود و بر روش‌هایی که از آن مدلی نظری در عمل پیاده می‌شود، متمرکز هستند. در این چارچوب، قضایای نظریه سلاح اطلاعات مانند قضایای سایر نظریه‌ها، چون به صورت منطقی از خود نظریه احصا می‌شوند، حقیقی تلقی می‌شوند؛ البته نه به این دلیل که حقیقت عالم واقع را نشان می‌دهد، بلکه از آن جهت که از بطن چارچوب نظری احصا شده‌اند. بر این اساس، گزاره‌های حکمی، نقطه آغاز پژوهش هستند و نخستین و ضروری‌ترین گام در عملیاتی‌کردن نظریه و در بوته آزمون و آزمایش قراردادن آن هستند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۲۱۳). با عنایت به چارچوب مدل انتخابی برای نظریه‌پردازی، قضایا یا گزاره‌های حکمی نظریه سلاح اطلاعات در مرحله نظری به شرح زیر هستند:

۱. نظریه سلاح اطلاعات، نظریه‌ای به‌مثابه سازمان است که جنگ‌آوری پنهان در کانون آن قرار دارد. در اینجا جنگ‌آوری پنهان، جایگزین فعالیت اطلاعاتی به‌مثابه کشف اسرار شده است.

۲. جنگ‌آوری اطلاعات، کنش مبارزه‌جویانه پنهان برای تولید قدرت اطلاعاتی و استفاده از قدرت اطلاعاتی برای حمایت از امنیت ملی است. بر این اساس، جنگ‌آوری پنهان هم قدرت اطلاعاتی بر مدار تصرف اطلاعاتی، بازدارندگی اطلاعاتی، صیانت اطلاعاتی و ضربات اطلاعاتی موثر و به موقع تولید می‌کند و هم قابلیت بهره‌گیری از ظرفیت‌های خلق‌شده برای حمایت از امنیت ملی را ایجاد می‌کند.

۳. در چارچوب نظریه سلاح اطلاعات، سازمان اطلاعاتی بدون قدرت اطلاعاتی، به‌عنوان ذخیره استراتژیک کنش مبارزه‌جویانه در حمایت از امنیت ملی، ناکام و شکست خورده است. نشانه با اهمیت افول سازمان اطلاعاتی در عصر اطلاعات، محدود شدن به قابلیت ضربه‌های اطلاعاتی موردی و محدود در حمایت از امنیت ملی است؛ به‌گونه‌ای که حداکثر بتواند تلافی‌جویی‌های محدود و غیربازدارنده ایجاد کند.

۴. در چارچوب نظریه سلاح اطلاعات، رهبری امنیت ملی، تعیین‌کننده سیاست‌های ملی و اصول مبارزات جنگ‌آوری پنهان است. همچنین، رهبری امنیت ملی، تعیین‌کننده و نظارت‌کننده بر

مأموریت‌های سازمان اطلاعاتی در مدیریت امنیت ملی (مبارزه با تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها و تعقیب منافع و ارزش‌های ملی) است؛ به این معنا که مشخص می‌کند سازمان اطلاعاتی در هر یک از جنبه‌های امنیت ملی چه مأموریت‌هایی را باید به سرانجام رساند. با این حال، ورود سیاست‌گذار امنیت ملی به تعیین تکلیف برای ارکان جنگاوری پنهان و ارکان قدرت اطلاعاتی عملاً به معنای ورود به حیات و موجودیت سازمان اطلاعاتی و نشان‌دهنده مداخله سیاست در اطلاعات خواهد بود.

۵. در چارچوب نظریه سلاح اطلاعات، جنگاوری پنهان با بهره‌گیری از قدرت اطلاعاتی برای حمایت از امنیت ملی به صورت خودسر-یعنی خارج از مأموریت‌ها و سیاست کلی و اصول مبارزاتی تعیین‌شده از سوی رهبری امنیت ملی- به معنای خروج اطلاعات از مدار امنیت ملی و دخالت اطلاعات در سیاست خواهد بود.

۶. گزارش اطلاعاتی، با بهره‌گیری از جنگاوری پنهان و قدرت اطلاعاتی مبتنی بر وضعیت‌شناسی و محیط‌شناسی امنیت ملی، به دنبال پاسخگویی به رهبری امنیت ملی در خصوص سیاست‌ها و اهداف ابلاغی (گزارش عملکرد اطلاعاتی) و ارتقای شناخت رهبری امنیت ملی از وضعیت ارزش‌ها و منافع امنیت ملی و تهدیدها و آسیب‌پذیری ناشی از آن (گزارش شناخت اطلاعاتی) است. سنجش اثربخشی گزارش اطلاعاتی از طریق ارزیابی رضایت‌مندی رهبری امنیت ملی از چنین گزارش‌هایی بدست می‌آید.

۷. جنگاوری پنهان ابتدایی باید مبتنی بر تصرف اطلاعات باشد و موفقیت آن با سنجش قدرت تصرف اطلاعاتی خودی در اهداف حریف بدست می‌آید.

۸. جنگاوری تلافی‌جویانه و پیش‌دستانه باید مبتنی بر باورپذیری تهدید پشیمان‌کننده اطلاعاتی توسط حریف باشد و موفقیت آن با سنجش میزان پذیرش خطوط قرمز اطلاعاتی تعیین‌شده توسط خودی از سوی حریف تعیین می‌شود. به بیان روشن‌تر، بازدارندگی اطلاعاتی زمانی وجود دارد که خطوط قرمز از سوی بازدارنده به صورت شفاف برای حریف تعیین و مشخص شده و از سوی آنان درک شده است و حریف جرأت شکستن آن را نداشته باشد و اگر شکسته شد، ضربه پشیمان‌کننده به صورت قاطع و به موقع و قابل درک بر حریف وارد شده باشد؛ به‌گونه‌ای که او را از تکرار شکستن خطوط قرمز پشیمان کرده باشد. نشانه آن نیز دادن پیام‌های سازش و عدم تکرار از سوی حریف باشد.

۹. جنگاوری پنهان دفاعی و پیش‌گیرانه باید مبتنی بر قدرت صیانت اطلاعاتی از دارایی‌های ارزشمند خودی باشد و موفقیت آن با سنجش قدرت حفاظت و پاسداری از دارایی‌های ارزشمند امنیت ملی در برابر تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های امنیت ملی بدست می‌آید. به بیان روشن‌تر، جنگاوری موفقیت‌آمیز دفاعی و پیش‌گیرانه به این موارد متکی است؛ صیانت به‌مثابه باغبانی اطلاعاتی برای از بین بردن علف‌های هرز از درون دارایی‌های ارزشمند امنیت ملی، ایجاد کمربند مقاوم در برابر تهدیدهای معطوف به دارایی‌های ارزشمند ملی، طبابت و جراحی اطلاعاتی برای از بین بردن عارضه‌های حاد و بدخیم در درون دارایی‌های ارزشمند ملی و و پرتوافکنی در برابر دیدگان ساکنان دارایی‌های ارزشمند امنیت ملی برای تصمیم‌گیری‌ها و هدایت توانمندتر و همچنین، تبدیل شدن به قلب بینای ساکنان دارایی‌های ارزشمند امنیت ملی برای اعتماد به دستگاه اطلاعاتی به‌مثابه یار و یاور.

۱۰. جنگاوری پنهان حاکی از چند تغییر اساسی در ماهیت، نقش و کارکرد سازمان اطلاعاتی است. اول، تبدیل سازمان اطلاعاتی از تشکیلات پشتیبانی‌کننده به سازمان رزمنده خط مقدم جبهه درگیری؛ دوم، تبدیل اطلاعات در جنگ به اطلاعات به عنوان موضوع جنگ؛ و سوم، تبدیل اطلاعات به‌مثابه فرآورده و محتوا به اطلاعات به‌مثابه سلاح.

۱۱. ضربه اطلاعاتی، نیروی واکنش سریع جنگاوری پنهان است. سنجش توانمندی سازمان در برخورداری از ظرفیت و توانمندی ضربه اطلاعاتی به این موارد بستگی دارد:

- توانمندی ضربه اطلاعاتی برای مقابله به مثل در برابر ضربه اطلاعاتی حریف در چارچوب انتقام‌گیری از حریف؛
- توانمندی ضربه اطلاعاتی برای ترمیم بازدارندگی در چارچوب خطوط قرمز از پیش تعیین‌شده؛ به‌گونه‌ای که ضربه اطلاعاتی مربوطه، قابلیت پشیمان‌کردن حریف از تکرار اقدامات تضعیف‌کننده بازدارندگی را داشته باشد.
- توانمندی ضربه اطلاعاتی به عنوان جنگاوری پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه اطلاعاتی به منظور جلوگیری از حمله قریب‌الوقوع یا جلوگیری از بالفعل شدن تهدیدهای حریف؛
- توانمندی ضربه اطلاعاتی به عنوان بخشی از عملیات تصرف اطلاعاتی؛
- توانمندی ضربه اطلاعاتی برای نمایش و مانور اطلاعاتی؛ به‌گونه‌ای که منجر به بهبود تصویر، هیبت، اقتدار و اعتبار دستگاه اطلاعاتی خودی نزد حریف و دیگران شود.

منابع

- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۹) نظریه‌پردازی: مبانی و روش‌شناسی‌ها، انتشارات سمت.
- سالارکیا، غلامرضا (۱۳۹۲) انقلاب منابع آشکار در هزاره سوم: چالش هستی‌شناختی اطلاعات، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۴، شماره ۵۳، پاییز ۱۳۹۰.
- سالارکیا، غلامرضا، میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۷) سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قاضی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۱) فناوری و قدرت اطلاعاتی: از افزایش شناخت تا ارتقای توان کنترل، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۵، شماره ۵۶، تابستان ۱۳۹۱.
- صدیق، میرابراهیم (۱۳۹۵) انقلاب سایبری و تحول در پدیده جاسوسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۹، شماره ۷۱.
- میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۰) مطالعات اطلاعاتی: هستی‌شناسی مستقل، روش‌شناسی وابسته و نظریه‌پردازی ضعیف، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره دوم.
- میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۲) اطلاعات به مثابه علم: مقدمه‌ای بر مطالعات اطلاعاتی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Andrew, Christopher and Dilks, David (1984) **The Missing Dimension: Governments and Intelligence Communities in the Twentieth Century**, Urbana, IL: University of Illinois Press.
- Barger, Deborah G. (2005) **Toward a Revolution in Intelligence Affairs**, RAND.
- Scott, Len and Jackson, Peter (2004) **The Study of Intelligence in Theory and Practice**, **Intelligence and National Security**, Vol. 19, Summer 2004.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی